



The Scope of Duties of Law Enforcement Officers and Judicial Police in Dealing with Individuals Unrelated to the Crime

Ardavan Arzhang* | Mohammad Reza Ghorbani** | Fatemeh Alizadeh***

Received: 2023, Nov 2 | Recieved in revised form: 2023, Dec 20 | Accepted: 2024, Feb 14 | Published: 2024, Jul 15

Abstract

The consequences of a crime sometimes befall other individuals who have not played a role in the commission of the crime. Therefore, the scope of the duties and authorities of the judicial police in dealing with individuals unrelated to the crime, similar to their dealings with the perpetrator himself and the crime, must be based on the law and be clear and transparent. Sometimes, after the commission of an apparent crime, the person is pursued by the officers, and then, in the course of the pursuit, in order to escape from the law enforcement officers, the person hides in a residential home or an academic environment. In this case, what is the duty of the judicial police? Can they enter the private domain of individuals unrelated to the crime without a judicial warrant? The Iranian legislature's approach is such that for the inspection of residences, whether the place belongs to the accused person or another person (not involved in the realization of the crime), different laws have not been enacted, and in both cases, one law is applied, while a difference and distinction in this regard is necessary. Proving this difference and the need to create a differential approach is the outcome of this paper. The present research has utilized a descriptive-analytical method and library resources.



Keywords: judicial police, individuals unrelated to the crime, flagrant offense, non-flagrant offense.

* Associate Professor, Faculty of Humanities, University of Yasouj, Yasouj, Iran; (Corresponding Author) Email: Arzhang1345@gmail.com.

** PhD Student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Meybod University, Yazd, Iran; Email: mohammad.ghorbani7118@gmail.com

*** Assistant Professor, Faculty of Humanities, University of Yasouj, Yasouj, Iran; Email: Fat.alizadeh1352@gmail.com

□ Arzhang, A., & others, (2024)., The Scope of Duties of Law Enforcement Officers and Judicial Police in Dealing with Individuals Unrelated to the Crime. *Journal of New Issues in Islamic Jurisprudence*, 2 (1)., 208-233. <https://doi.org/10.22091/RCJL.2023.9267.1022>



قلمرو وظایف مأموران انتظامی و ضابطان دادگستری در برخورد با اشخاص غیرمرتبط با جرم

اردوان ارژنگ^{*}، محمدرضا قربانی^{**} و فاطمه علی زاده^{***}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵

چکیده

گاه تبعات جرم گریبان گیر سایر افرادی می شود که نقشی در تحقق جرم ارتكابی نداشته اند. از این رو حدود وظایف و اختیارات ضابطان در برخورد با اشخاص غیرمرتبط با جرم، همانند برخورد با خود مجرم و جرم، باید مستند به قانون و البته روشن و شفاف باشد. گاه فرد بعد از ارتكاب جرم مشهود مورد تعقیب مأموران قرار می گیرد، سپس در حین تعقیب جهت فرار از دست مأموران انتظامی در یک منزل مسکونی و یا یک محیط علمی مخفی شود، در این حالت تکلیف ضابطان چیست؟ آیا آنان می توانند بدون حکم قضایی وارد حریم خصوصی اشخاص غیرمرتبط با جرم بشوند؟ نگاه قانون گذار ما به گونه ای است که برای بازرسی منازل، چه مکان متعلق به شخص متهم و چه شخص دیگر (غیرمؤثر در تحقق جرم) قوانین مختلفی را وضع نموده و در هر دو حالت، یک قانون اعمال می شود درحالی که تفاوت و تفکیک در این مورد لازم است. اثبات این تفاوت و لزوم ایجاد نگاه افتراقی ره آورد این نوشتار است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و از ابزار کتابخانه ای استفاده کرده است.



واژگان کلیدی: ضابط دادگستری، اشخاص غیرمرتبط با جرم، جرایم مشهود، جرایم غیرمشهود.

^{*} دانشیار دانشکده علوم انسانی. دانشگاه یاسوج. یاسوج. ایران (نویسنده مسئول). Arzhang1345@gmail.com

^{**} دانشجوی دکتری دانشگاه میبد. mohammad.ghorbani7118@gmail.com

^{***} استادیار دانشکده علوم انسانی. دانشگاه یاسوج. یاسوج. ایران. Fat.alizadeh1352@gmail.com

□ ارژنگ، اردوان؛ قربانی، محمدرضا و علی زاده، فاطمه. (۱۴۰۳). قلمرو وظایف مأموران انتظامی و ضابطان دادگستری در برخورد با اشخاص غیرمرتبط با جرم، پژوهش های فقهی مسائل مستحدثه. ۲(۱)، ۲۳۳-۲۰۸. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2023.9267.1022>

۱. مقدمه

ضابطان دادگستری، از جمله کنشگران فرایند دادرسی هستند که از ابتدای وقوع و کشف جرم تا زمان اجرای مجازات تحت نظارت و ریاست دادستان و به موجب قانون یا در مقام اجرای دستورات قضایی انجام وظیفه می‌کنند. نظارت و ریاست دادستان بر ضابطان از حیث وظایفی است که به عنوان ضابط برعهده دارند و این ریاست و نظارت مطلق و همه‌جانبه نمی‌باشد (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴). قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در راستای حمایت از حقوق متهم، قوانینی را وضع نموده که مأموران تفتیش و نیز مقامات قضایی مکلف به رعایت این حقوق هستند. چرا که لازمه برقراری عدالت، عمل به قانون است. اما با وجود این، عملکرد مدیریتی، نوع برخورد ضابطان با اشخاص مرتبط و غیرمرتبط با جرم و تناسب زیرساخت‌های مورد نیاز، با وجود نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، نیازمند بررسی است. یکی از ضرورت‌های اصلی تشکیل نهادی؛ چون ضابطان در واقع سرعت بخشیدن به پرونده‌های کیفری و جلوگیری از امحاء آثار و ادله جرم است. ضابطان در خصوص اجرای وظایف خود بسته به اینکه با چه جرمی و در چه مکانی و نسبت به چه اشخاصی مواجه می‌شوند، عملکرد متفاوتی از خود نشان می‌دهند. به عنوان مثال، مطابق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ضابطان در مواجهه با یک جرم مشهود هر اقدامی جهت جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و نیز جلوگیری از امحاء آثار و ادله جرم به عمل می‌آورند؛ اما چنانچه همین جرم مشهود از نوع جرایم منافی عفت باشد، حق دخالت ندارند. علی‌رغم آنکه قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری سعی بر مشخص نمودن دایره مسئولیت ضابطان داشته است، اما همچنان از پرداختن به برخی مسائل پرهیز کرده است. به عنوان مثال، قانون‌گذار تکلیف ضابطان را در هنگام برخورد با اشخاص غیرمرتبط با جرم مشخص نکرده است. به عبارت ساده‌تر، وقتی یک جرم به طور غیرمستقیم اشخاص غیرمرتبط را درگیر می‌کند، دامنه‌ی حدود اختیارات ضابطان توسط قانون‌گذار مشخص نشده است. آیا مجرمی که مرتکب جرمی شده و برای فرار، به خانه مستأجر خود که در منزل نیست پناه می‌برد، می‌تواند استدلال کند که این مکان حریم خصوصی من است؟ یا مرتکبی که در ادامه گریز از دست ضابطان در مغازه‌ای که درب آن بسته است مخفی شده، آیا در این موارد هم ضابطان

نیاز به دستور بازرسی محل دارند؟ آیا تفاوتی بین اینکه مکانی که مجرم در آنجا مخفی شده متعلق به خود او هست یا غیر، وجود ندارد؟ در این پژوهش سعی شده تا به این مباحث پرداخته شود. البته در مورد تعیین حدود اختیارات و وظایف ضابطان دادگستری و نحوه برخورد آنها با بزه‌کاران و بزه‌دیدگان توسط قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مطالبی تالیف و تدوین شده است. اما در خصوص نحوه برخورد ضابطان با اشخاصی که در ارتکاب جرم نقشی ندارند ابهاماتی وجود دارد. این نوشتار سعی بر آن دارد که وظایف و حدود اختیارات ضابطان را در چهارچوب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ همسو با رویه عملی محاکم جهت ارتقای بازدهی وظایف ضابطان و اختیارات محوله مشخص نماید.

۲. شناخت مفاهیم

۲.۱. ضابط دادگستری

ضابط در لغت به معنای حفظ‌کننده، نگهدارنده، حاکم، قوی، پیروزمند و مرد باهوش است (دهخدا، ۱۳۳۷، ص ۵۸۳). همچنین به معنای محفوظ‌دارنده، کارگزار، حاکم، مباشر و محصل مالیات نیز آمده است (انصاف پور، ۱۳۶۵، ص ۶۹). ضابط از ریشه ض - ب - ط و به معنای نگهدارنده است. مصدر آن کلمه‌های ضبط یعنی حبس چیزی و ضابطه به معنای نگه‌داشتن و ملازم شدن است (سیاح، ۱۴۳۰ق، ص ۸۹).

در ترمینولوژی حقوق، دادگستری نیز چنین تعریف شده است: دادگستری در لغت به معنای اجرای عدالت است و در اصطلاح اسم وزارتخانه‌ای است که در معیت قوه قضاییه انجام وظیفه می‌کند و اسم سابق آن عدلیه است (لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۸۸۶).

قانون‌گذار اسلامی در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در تعریف ضابطان دادگستری و مأموران انتظامی بیان می‌دارد: ضابطان قضایی افرادی هستند که تحت تعلیمات مقام قضایی اقدامات لازم را در جرایم مشهود و غیرمشهود به عمل می‌آورند. بدیهی است که باتوجه به مشهود و غیرمشهود بودن جرم ارتكابی، نوع برخورد ضابطان دادگستری نیز متفاوت است.

۲.۲. اشخاص غیر مرتبط با جرم

منظور از اشخاص غیر مرتبط با جرم اشخاصی هستند که در وقوع جرم هیچ گونه مشارکت و یا معاونتی نداشته‌اند و به عللی چون مخفی شدن بدون اجازه متهمان در منازل آن‌ها، وارد جریان رسیدگی قضایی شده‌اند.

۳. تقسیم‌بندی جرایم

۳.۱. جرایم مشهود

جرایم مشهود همان‌طور که از نامش پیداست و به معنی جرایم آشکار و هویدا است، بیانگر جرایمی هستند که در مرئی و ملا عام محقق می‌شوند. به عبارتی دیگر شخص مجرم در مقابل دیدگان مردم دست به ارتکاب عنوان یا عناوین مجرمانه می‌زند. در جرم مشهود، شخص مرتکب هنگام ارتکاب جرم و یا بلافاصله پس از ارتکاب جرم به‌طوری که دلایل ارتکاب از طرف دستگیرکننده قابل جمع آوری باشد، دستگیر شود. (باهری، ۱۳۸۲، ص ۲۴۰). جرم مشهود جرمی است که در مرئی و منظر پلیس یا مردم واقع شود یا به منزله آن باشد. (انصاری، ۱۳۸۰، ص ۳۲) باین حال قانون‌گذار هیچ تعریفی از جرایم مشهود در قانون آیین دادرسی کیفری ارائه نداده است. شرط اطلاق جرایم مشهود به این قبیل جرایم، تحقق موارد خاص می‌باشد که فقط به مصادیق آن در ماده ۴۵ قانون آ.د.ک اشاره گردیده است. از جمله این مصادیق می‌توان به این موارد اشاره نمود:

یک: جرم در منظر و مرئی ضابطان قضایی و مأموران انتظامی تحقق یابد یا مأموران مذکور به سرعت در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را به صورت آنی پس از وقوع مشاهده کنند.

دو: شخص بزه دیده و یا دو نفر به عنوان شاهد که در محل وقوع حضور داشته‌اند و وقوع جرم را نظاره گر بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخصی را به عنوان متهم معرفی کنند؛ در تبصره همین ماده آمده است که: چنانچه جرایم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری به صورت مشهود ارتکاب یابند، در صورت عدم حضور ضابطان و مأموران انتظامی، تمامی شهروندان اجازه دارند کلیه اقدامات لازم را به منظور

جلوگیری از فرار مرتکب جرم و نیز مانع شدن از امحای آثار جرم به عمل آورند. برخلاف قانون آیین دادرسی کیفری ایران، قانون فرانسه اختیار شهروندان را محدود به دستگیری و هدایت فوری فرد نزد افسر پلیس قضایی نموده است. ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر داشته: در مورد جنایت مشهود یا جنحه مشهود دارای مجازات حبس، هر شخصی برای دستگیری مرتکب و هدایت او به حضور نزدیک‌ترین افسر پلیس قضایی، صلاحیت دارد. این ماده تنها به دستگیری مرتکب جنایات مشهود و جنحه مشهود دارای مجازات حبس اشاره داشته است. برخلاف ماده مذکور که پیش‌بینی نموده شهروندان موظف‌اند فرد دستگیر شده را به نزدیک‌ترین افسر پلیس قضایی تحویل دهند، در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، چنین تکلیفی مشاهده نمی‌شود که مناسب است از سوی تنظیم‌کنندگان قانون مورد توجه قرار گیرد. به طور کل قانون آیین دادرسی کیفری ایران، در مقایسه با قانون فرانسه، اختیارات بیشتری را به شهروندان عادی داده است (سپهری، ۱۳۹۵، ص ۳۹). از این رو، حکم این تبصره می‌تواند خود منشأ بی‌نظمی و احتمالاً درگیری در صحنه جرم شود و نتایج نامطلوب آن بیشتر از فواید احتمالی آن باشد (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۶۴).

به نظر می‌رسد لازم بود قانون‌گذار توجه بیشتری در تدوین این ماده لحاظ می‌نمود. زیرا از طرفی وقتی یکی از شرایط پذیرفتن گزارش ضابطان، گذراندن دوره‌های تخصصی و آموزشی است، چگونه می‌توان از افراد عادی جامعه بدون هیچ آموزشی انتظار داشت بتوانند در مقابله با این جرایم به درستی نقش یک ضابط را بازی کنند. از طرفی، یکی از راه‌های رسیدن به علت اصلی وقوع جرم، رسیدگی و توجه به آثار و ادله واقع در محل وقوع جرم است، چه بسا با دخالت افراد عادی در این خصوص، مقامات قضایی با مشکل مواجه شوند. علاوه بر موارد فوق، اختیار تامی که در این تبصره به افراد داده شده است بسیار مبهم است؛ به عنوان مثال یک فرد عادی در چنین شرایطی نمی‌داند از چه ابزاری برای نگهداری متهم می‌تواند استفاده کند و یا اینکه چند ساعت حق نگهداری دارد و نیز چنانچه در این راستا صدمه‌ای بر متهم وارد آید جبران‌کننده خسارت مشخص نیست، و نیز مشکلاتی از این قبیل. انتظار می‌رود که قانون‌گذار محدوده این اختیارات را به طور واضح مشخص نماید تا از ایجاد هرج و مرج جلوگیری به عمل آید.

۳.۲. جرایم غیر مشهود

قانون تعریفی مجزا از این گونه جرایم نکرده است، اما با توجه به موارد احصا شده در ماده ۴۵ قانون آ.د.ک، چنانچه اطلاع از وقوع جرم غیر از صور مذکور باشد، می‌توان جرم را غیر مشهود در نظر گرفت.

۴. طبقه‌بندی ضابطان

۴.۱. ضابطان عام

ضابطان عام آن دسته از ضابطانی هستند که وظایفی را که قانون‌گذار بر عهده آنها گذاشته، کلی و عام است و شرایط خاصی برای برخورد آنها با اشخاص مرتبط و غیر مرتبط با جرم و اقدامات آنها در جرایم مشهود و غیر مشهود وجود ندارد یا به بیان دیگر عنوان ضابطان عام شامل کسانی می‌گردد که در مورد کلیه جرایم حق مداخله و اقدام مقتضی دارند و قلمرو وظایف و اختیارات آنها محدود به جرم معین یا شرایط خاصی نیست. قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری در تعریف ضابطان عام ساکت است با وجود این برخی از حقوق‌دانان معتقدند: ضابطان و مأموران عام دادگستری شامل کسانی می‌شود که صلاحیت اقدام و حق مداخله درباره کلیه جرایم را دارند مگر آنچه را که قانون استثنا و منع کرده باشد (آخوندی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). وظایف پلیس به معنای اعم در دو طبقه جای می‌گیرد؛ پلیس اداری و پلیس قضایی. وظایف پلیس اداری عرفاً به وظایفی اطلاق می‌شود که بیشتر جنبه خدماتی دارد. در واقع چنین به نظر می‌رسد که پیشگیری از وقوع جرم، قسمت عمده وظایف پلیس اداری را تشکیل می‌دهد. و نیز وظایف پلیس قضایی، به آن دسته از وظایفی اطلاق می‌شود که کارکنان ناجا در مقام ضابط دادگستری انجام می‌دهند. چنانچه این دو وظیفه را صددرصد وظایف بدانیم و هشتاد درصد آن را وظیفه پلیس اداری منظور کنیم، اغراق نکرده‌ایم و حتی شاید حق مطلب بیش از این باشد؛ زیرا اگر پلیس، وظیفه اداری را به نحو احسن انجام دهد، کمتر به امور پلیس قضایی مشغول خواهد شد (رجبی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰). به طور کل، پلیس اداری یا تأمینی، عهده‌دار پیشگیری از ارتکاب جرائم و جلوگیری از بی‌نظمی و اغتشاش در سطح شهرهاست و مداخله پلیس قضایی اصولاً به مرحله پس از وقوع جرم اختصاص دارد (پیرایه جو، ۱۳۷۲، ص ۳۱).

۴.۲. ضابطان خاص

ضابطان خاص باتوجه به وضعیت ضابط بودن آنها، به سه دسته کلی قابل تقسیم هستند: یک: مأمورانی که به موجب قوانین خاص ضابط محسوب می شوند، از جمله ضابطان نظامی نسبت به جرایم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح. دو: مأمورانی که در قانون به ضابط بودن آنان تصریح نشده است؛ اما گزارش آنها در حکم گزارش ضابطان است؛ مانند مأموران شهرداری و نیز مأموران وزارت جهاد کشاورزی. سه: مأمورانی که در قوانین خاص به وضوح به ضابط بودن آنها اشاره نشده است؛ بلکه قلمرو وظایف ضابطان به عهده آنان واگذار شده است. از جمله بازرسان وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی (طهماسبی، ۱۳۹۵، صص ۱۱۹، ۱۲۰).

۵. نقش ضابطان در فرآیند کیفردهی

از جمله کنش گرانی که فرایند کیفردهی را شکل داده آن را تحت تأثیر قرار می دهند ضابطان هستند. در واقع ضابطان به عنوان اولین کنش گران مؤثر در فرایند کیفری مطرح می شوند. پلیس دولتی، به عنوان ضابط عام، اصلی ترین کنش گر عدالت کیفری است که بخش عمده ای از پرونده های دادسرا را تغذیه می کند. پلیس به دو شکل و روش کنشی و واکنشی در کشف جرم و دستگیری مجرم اقدام می کند. در روش کنشی، پلیس خود اقدام به کشف جرم و دستگیری متهم یا مظنون می کند. در واقع این روش کشف جرم بستگی به عملکرد و امکانات مادی و انسانی پلیس دارد. اما در روش واکنشی، پلیس در واکنش به اعلام جرم، مثلاً از طریق تماس با شماره تلفن ۱۱۰ یا با شکایت شاکی، جرم را شناسایی و کشف می کند. مطالعات صورت گرفته در کشورهای غربی از جمله سوئیس، حاکی از آن است که پلیس حداکثر ۳۰٪ جرایم را خود کشف می کند (باتوجه به نوع جرم، این رقم متفاوت است). روشن است که عموماً جرایم رؤیت پذیر مانند اعتیاد و ولگردی توسط پلیس کشف می شوند. در سال های اخیر به ویژه در کشورهای غربی در کنار پلیس دولتی، پلیس خصوصی نیز به وجود آمده است به گونه ای که بخشی از امنیت جامعه توسط بخش خصوصی و با هزینه خود مردم تأمین می شود. به عنوان مثال در بسیاری از مجتمع های مسکونی، بخشی از هزینه های شارژ پرداختی از سوی

کارکنان، صرف تأمین امنیت توسط سرایدار، شبگرد و نیز پارکینگ دار می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص ۴۳)

۵.۱. وظایف ضابطان نسبت به فرد تحت نظر و بزه‌دیده

ضابطان در راستای عملکرد خود وظایف مهمی را بر عهده دارند به عنوان مثال آن‌ها باید دوره‌های آموزشی را گذرانده باشند و کارت تخصصی کسب کنند تا تحقیقات آن‌ها معتبر شناخته شود که البته تخصصی نمودن همه ضابطان صحیح نیست؛ چه بسا کارکنان درجه دار و تازه استخدام که در نیروی انتظامی در حال خدمت هستند با آموزش‌های کوتاه مدت، نمی‌توانند تخصص و مهارت یک مأمور انتظامی و ضابط دادگستری را پیدا کنند؛ بنابراین لازم است در این زمینه شرایطی ویژه برای این دسته از اشخاص به منظور صدور کارت ویژه ضابطان، در نظر گرفت (سنگانه و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۳). همچنین باید گزارش‌های مربوطه را به موقع به مقام قضایی مافوق اعلام کنند. از جمله مهم‌ترین وظایفی که ضابطان بر عهده دارند، وظایف آن‌ها نسبت به فرد تحت نظر و بزه‌دیده است. فرد تحت نظر به کسی گفته می‌شود که قبل از تفهیم اتهام توسط مقام قضایی بدون صدور قرار تأمین، توسط ضابطان در بازداشتگاه نگهداری می‌شود. فرد در طی مدت نگهداری از حقوقی برخوردار است که ضابطان موظف‌اند او را از این حقوق آگاه کنند؛ از جمله حق داشتن وکیل، حق اطلاع مراتب تحت نظر به افراد خانواده و یا آشنایان به وسیله تلفن و سایر وسایل مشابه و پاسخگویی به این افراد و نیز حق برخورداری از معاینه پزشکی جهت جلوگیری از شکنجه (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۲). ضابطان علاوه بر اینکه نسبت به فرد تحت نظر دارای مسئولیت‌هایی هستند، نسبت به بزه‌دیده نیز وظایفی را بر عهده دارند. از جمله حمایت از بزه‌دیده در برابر تهدید، ورود حمایتی و پیشگیرانه به منزل بزه‌دیده، ضرورت اخذ شکایت کتبی و شفاهی از آن‌ها در همه وقت و همچنین تحقیق از بزه‌دیدگان زن و افراد نابالغ توسط ضابطان آموزش دیده زن (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۳).

۵.۲. نقش ضابطان در مواجهه با جرم مشهود

ضابطان دادگستری در مواجهه با جرایم مشهود طبق ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری^۱،

۱. ماده ۴۴ قانون آ.د.ک، ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیر مشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم

موظف‌اند تمامی اقدامات کافی را به جهت حفظ ادوات و وسایل و همچنین ادله وقوع جرم و جلوگیری از پنهان شدن متهم به عمل آورند و همچنین تحقیقات مقدماتی مقتضی را انجام داده و به طور سریع نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان برسانند. ضابطان دادگستری و مأموران انتظامی تنها زمانی این اجازه را دارند که متهم را بازداشت کنند که امارات قوی و قرائنی بر ارتکاب جرم مشهود توسط شخص متهم وجود داشته باشد و چنانچه نگهداری شخص متهم به منظور تکمیل تحقیقات مقدماتی و بازجویی ضروری باشد، ضابطان دادگستری باید موضوع اتهام و نیز ادله وقوع جرم مشهود را بلافاصله و همچنین به صورت کتبی به متهم تفهیم کنند و مراتب را فوری به منظور اتخاذ تصمیم قانونی و قضایی به اطلاع دادستان برسانند به طور کل حداکثر مدتی که ضابطان و مأموران انتظامی می‌توانند متهم در جرایم مشهود را مطابق قانون تحت نظر قرار دهند بیست و چهار ساعت است در غیر این صورت مرتکب جرم توقیف غیر قانونی شده‌اند، به بیان دیگر در صورت لزوم استمرار دسترسی به متهم برای بیش از بیست و چهار ساعت، باید از طریق قرار تأمین کیفری به او دسترسی داشت، حال ممکن است نوع تأمین کیفری قرار بازداشت موقت باشد (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۶۵). عبارت «تمام اقدامات لازم» در متن ماده، کلی و نامفهوم بوده و موجب تفاسیر مختلفی در این زمینه می‌شود و زمینه اختیارات بیشتری را به ضابطان می‌دهد که علی‌رغم فایده‌ای که دارد می‌تواند منجر به بی‌نظمی و بی‌عدالتی نیز شود. نفع از این جهت که در شرایط مواجهه با یک جرم مشهود و خطرناک در عمل مشاهده می‌شود که شرایط آن قدر اضطراری است که بعضاً نمی‌توان همه حقوق مذکور در قانون را رعایت نمود.

نمونه‌ای از این اختیارات این چنینی را می‌توان در ماده ۶۶۹ قانون آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای مشاهده نمود که مقرر شده، چنانچه حفاظت از داده‌های مخابراتی و نیز داده‌های رایانه‌ای

قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده ۴۶ این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قوانین و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.

نگهداری شده باهدف انجام تحقیق یا دادرسی لازم و ضروری باشد، مقامات قضایی می‌توانند دستور حفاظت از آن‌ها را برای اشخاصی که چنین داده‌هایی را در دسترس دارند، صادر کند و همچنین در شرایط ضروری، نظیر خطر صدمه دیدن یا تغییر یا ازین‌رفتن داده‌ها، ضابطان قضایی و مأموران انتظامی اجازه دارند رأساً دستور حفاظت را صادر کنند و مراتب را حداکثر به مدت بیست و چهار ساعت به اطلاع مقام قضایی برسانند (جوانمرد، ۱۳۹۴، ص ۲۵۹).

۵.۳. نقش ضابطان در برخورد با جرایم غیر مشهود

در جرایم غیر مشهود نحوه عملکرد ضابطان متفاوت از جرایم مشهود است. طبق قسمت اول ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان دادگستری و مأموران نیروی انتظامی هنگام مطلع شدن از وقوع جرم، در کلیه جرایم غیر مشهود گزارشی را به صورت کامل، جهت کسب تکلیف و اتخاذ دستورهای لازم به مقامات قضایی اعلام می‌کنند و مقامات مذکور نیز پس از بررسی‌های لازم دستور ادامه تحقیقات مقدماتی را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند.

۵.۴. وظایف ضابطان در برخورد با یک پدیده مجرمانه و یا آثار آن در حین بازرسی محل

چنانچه ضابطان دادگستری در حین بازرسی از یک محل، متوجه جرم دیگری شوند بنا بر آنچه مطرح گردید اقدام می‌شود (یعنی باتوجه به مشهود یا غیر مشهود بودن جرم ارتكابی، نوع اقدام متفاوت است). چنانچه مأموران انتظامی و ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل؛ آثار جرم دیگری را که به نوعی تهدیدکننده آسایش و امنیت جامعه است و باعث اختلال در نظم و آسایش جامعه می‌گردد، مشاهده کنند، باید علاوه بر حفاظت از ادله و آثار جرم، صورت مجلسی را تنظیم و بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و مطابق دستور صادر شده عمل می‌کنند (ماده ۵۷ قانون آ.د.ک). پس همان‌طور که ذکر شد ضابطان در این موارد فقط در صورتی وظیفه اطلاع به مقام قضایی مربوطه را دارند که آن آثار و اسباب، مربوط به جرمی باشند که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه است؛ مانند مواجهه ضابطان با اسلحه‌های نظامی در حین بازرسی محل. برخی از حقوق دانان در توجیه ماده ۵۷ قانون آ.د.ک گفته‌اند: در صورت اطلاع از وقوع جرم، تکلیف ضابطان در برابر آن، در ماده ۴۴ قانون آ.د.ک

مشخص شده که برحسب اینکه جرم مزبور، مشهود باشد یا غیرمشهود متفاوت است. اما، اگر این مأموران در هنگام بازرسی از یک محل در پرونده مربوط به یک جرم، متوجه وقوع جرم دیگری شوند، تکلیف آن‌ها در برابر جرم دوم بر اساس ماده فوق تعیین می‌شود (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۷۸).

۶. حریم خصوصی

قبل از اینکه وارد مبحث حق تفتیش و ممنوعیت‌های تفتیش شویم ابتدا لازم می‌بینیم که تعریفی از حریم خصوصی و اشیا ارائه دهیم تا در ادامه مباحث بتوانیم از این تعاریف در استدلال‌ها بهره ببریم. در آیه ۲۷ سوره مبارکه نور آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید.» توجه به حریم خصوصی افراد آن‌چنان اهمیتی دارد که خداوند متعال آن را لازم دانسته و بارها به این مسئله اشاره داشته است. اما اینکه منظور از حریم خصوصی چیست، مسئله‌ای است که لازم می‌دانیم در خصوص آن بحث نماییم. حریم خصوصی بخشی از محدوده زندگی اشخاص است که به لحاظ اهمیت و حساسیت خاص انتظار می‌رود مورد احترام قرار گیرد و از تعرض نسبت به آن در امان باشد. نتیجه این حرمت این است که دیگران بدون رضایت شخص، حق ورود، نظاره کردن یا کسب اطلاع از محدوده حریم خصوصی او را ندارند؛ بنابراین این محدوده از زندگی اشخاص باید از هرگونه مداخله و کسب اطلاعات از سوی دیگران، اعم از افراد عادی یا افراد منتسب به حاکمیت مصون باشد. حدود قلمرو حریم خصوصی را عرف و یا قانون و یا اعلام قبلی فرد مشخص می‌کند، مصادیقی که برای حریم خصوصی بیان شده است عبارت است از حریم خصوصی اماکن و اشیا، حریم خصوصی ارتباطات، حریم خصوصی جسمانی و حریم خصوصی اطلاعات (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۶۵). به طور کل وضعیت بعضی از مصادیق اماکن و اشیا کاملاً روشن است؛ از جمله منزل و اشیا داخل آن و در مواردی دیگر اختلاف نظر بسیار کم است، مانند اتومبیل، رایانه شخصی و تلفن همراه. اما در بعضی مصادیق دیگر اختلاف نظر گسترده است. اماکن خصوصی که ورود افراد به آن‌ها آزاد است، از جمله مغازه‌ها و نیز گاراژها و یا اماکنی که ورود به آن‌ها برای افراد معین آزاد است، مثل پادگان‌های نظامی و یا بخش‌های مشاع آپارتمان‌ها. آنچه نمایان است کلیه ویلاها، چادرهای

مسافرتی و استراحتی، درون وسایل نقلیه، قسمت‌های مسکونی کشتی‌ها، اتاق‌هایی که مخصوص استراحت هستند، مهمان‌سراها، کلیه خوابگاه‌های دانشجویان، بیمارستان‌ها و سایر تأسیسات مشابه و یا اماکنی که بر طبق عرف به آن منزل اطلاق می‌شود، از جمله مکان‌هایی هستند که حریم خصوصی محسوب می‌شوند (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۶۶). منظور از مسکن یا منزل یا مکان‌های بسته و تعطیل هر جایی را می‌گویند که ورود به آن‌ها تابع اجازه صاحب آن است، برخلاف اماکن عمومی که هر شخصی در هر زمانی یا در زمان‌های مشخصی حق رفت‌وآمد آزادانه به آنجا را دارد؛ بنابراین باغ، آلونک، چادر و سایر مکان‌های شبیه آن‌ها که شخص برای اقامت و سکونت یا تفریح خود انتخاب کرده یا مالکیت آنجا را دارد حریم خصوصی محسوب می‌شود و محدودیت‌های مربوط به منزل و اماکن بسته و تعطیل شامل آن‌ها نیز می‌شود (صادق منش، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰). اگرچه برخی از حقوق‌دانان معتقدند وسایل نقلیه حریم خصوصی محسوب می‌شود؛ اما از توجه به صراحت و اطلاق تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر^۱، باید اشعار داشت که وسایل نقلیه با توجه به اینکه جزء اماکنی هستند که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، نمی‌توان آن‌ها را حریم خصوصی دانست. اما اینکه فایده عملی این مباحث چیست و حریم خصوصی محسوب شدن مکان یا شیء چه تأثیری در روند رسیدگی ضابطان دارد، از جمله مباحثی هستند که مورد تحلیل قرار می‌گیرند. از توجه به وسیع بودن دامنه این تعریف، حریم خصوصی مصادیق بسیار متنوعی را شامل می‌شود که از جمله این مصادیق می‌توان به منزل، پست الکترونیکی، فروشگاه بسته، صفحات اختصاصی و بسته شده در تارنماهای اینترنتی، روابط خصوصی، حساب بانکی، آلبوم تصاویر، آلبوم خاطرات، اطلاعات رایانه و تلفن همراه و امثال آن‌ها اشاره کرد. مطابق اصل بیست و دوم قانون اساسی: «... حریم خصوصی و شغل اشخاص از تعرض مصون است به استثنا مواردی که قانون تجویز کند.»

با توجه به این اصل قانون اساسی، قاعده کلی این است که حریم خصوصی افراد به استثنا مواردی که به طور روشن در قوانین مدون به آنها به صراحت اشاره شده است، از هر گونه شنود،

۱. تبصره ماده ۵ قانون آمرین به معروف و ناهیان از منکر: اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست

توقیف، تخریب و امثال آن‌ها مصون از تعرض است و کلیه کسانی که از این حدود تخطی کنند، مطابق قوانین جزایی حسب مورد مشمول مجازات‌های قانونی می‌شوند.

می‌توان به این موضوع اشاره کرد که از جمله نتایج پابندی به اصل مصونیت حریم خصوصی افراد جامعه از تعرض، این است که در مواردی که تردید و شک در جواز یا عدم جواز اقدامات مزبور و نبود نص قانونی در این خصوص وجود داشته باشد، اصل بر ممنوعیت خواهد بود نه جواز ورود به حریم خصوصی اشخاص و هتک حرمت آن‌ها. بنابراین حتی اگر انگیزه شرافتمندانه هم وجود داشته باشد، اجازه چنین دخالتی را نخواهد داد و احتمال وقوع جرم یا ویژگی‌های قربانی جرم یا مرتکب آن یا نوع و نحوه جرم ارتكابی و هیچ عامل دیگری، در نبودن مجوز قضایی، نمی‌تواند دستاویز ورود به حریم خصوصی دیگری شود؛ به طور کل ضابطان دادگستری یا مأموران نیروی انتظامی از جهت برخورداری از حقوق شهروندی و همچنین مقررات اداری، تفاوتی با سایر شهروندان یا کارکنان دولت ندارند؛ بنابراین چنانچه یک تماس با فوریت‌های بازرسی برقرار شود که حاکی از آن باشد که وقوع یک جرم مشهود توسط ضابطان یا مأموران انتظامی رخ داده است، مسئولان بازرسی در حدود اختیارات خود در جرائم مشهود می‌توانند با ضابط یا مأمور متخلف یا متهم رفتار کنند؛ اما در سایر موارد، مسئولان بازرسی چنین اجازه‌ای را ندارند که به عنوان ضابط دادگستری یا ضابط نظامی اقدامی تحقیقی یا تعقیبی در قبال متهم انجام دهند و صرفاً تکلیف به گزارش مراتب به دادستان یا قاضی کشیک ذی‌ربط را دارند.

با وجود این چنین محدودیت قانونی مانع انجام وظایف مسئولان بازرسی از جهت احراز وقوع یا عدم وقوع تخلف انضباطی و نظارت بر اقدامات کارکنان تحت امر خود اعم از مأموران انتظامی یا ضابطان نیست.

۷. حدود اختیارات ضابطان دادگستری در بازرسی اماکن، اشیا و اشخاص

۷.۱. ورود ضابطان دادگستری به منازل اشخاص غیرمرتبط با جرم (در جرایم مشهود)

مطابق قسمت اول ماده ۴ قانون پلیس و ادله کیفری حقوق انگلستان^۱ (مصوب ۱۹۸۴)، شخصی که در منزل مسکونی وارد شده، نمی‌توان آن منزل را بدون حکم بازرسی کرد، مگر اینکه ضابط بداند

^۱. Police and criminal evidence act 1984 UK.

شخصی که در آن محل مسکونی است، از سمت مالک یا مأذون از قبل مالک، اذن در سکونت نداشته و نیز دلایل منطقی برای مظلونی‌ات آن فرد داشته باشد که در این صورت ضابط می‌تواند اقدامات لازم را به منظور جلوگیری از متواری شدن مظنون به عمل آورد. در حقوق ایران اگر به اطلاق بخش دوم ماده ۴۴ قانون آ.د.ک، دقیق نگریسته شود با توجه به عبارت «تمام اقدامات لازم» به نظر می‌رسد ضابطان در این مورد نیز، جهت جلوگیری از فرار متهم، بدون داشتن دستور قضایی، می‌تواند وارد منزل شده و از فرار او جلوگیری نمایند. البته در این خصوص نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۷۷۵ مورخ ۹۳/۰۴/۰۴ اداره حقوقی قوه قضاییه بیان می‌دارد: «با در نظر گرفتن اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱، که مسکن اشخاص را مصون از تعرض دانسته و تضمین رعایت این اصل، دقت در تفسیر مواد قانونی را می‌طلبد و با لحاظ تأکید ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بر ضرورت رعایت حقوق شهروندی، ورود ضابطان به منازل اشخاص در جرایم مشهود جز در موارد خاص نظیر بند ث ماده ۴۵ قانون فوق‌الذکر که ساکنین تقاضای ورود مأموران را دارند و یا مواردی همانند گروگان‌گیری صاحب‌منزل توسط مجرمینی که به آنجا فرار کرده‌اند، می‌باید با مجوز مخصوص مقام قضایی باشد و عبارت جرایم مشهود در ماده ۴۴ قانون آ.د.ک، معطوف به بازرسی اشخاص و اشیاء است. طبق این نظریه در جرایم مشهود نیز جهت ورود به منازل، نیاز به مجوز مخصوص مقام قضایی است. برخی از نویسندگان در توجیه این نظریه استناد به قید «هم‌چنین» در ماده ۵۵ قانون آ.د.ک^۲ نموده و می‌گویند این قید نشان‌دهنده تفکیک دو بخش منازل و اماکن از اشخاص و اشیاء است و عبارت جرایم غیر مشهود فقط به اشیاء و اشخاص برمی‌گردد. به نظر نگارندگان اولاً اداره حقوقی قوه قضاییه در تنظیم این نظریه دقت لازم را نداشته و با وجود عبارت صریح «جرایم غیر مشهود» در متن ماده ۵۵، نظریه از عبارت جرایم مشهود استفاده نموده و آن را به اشخاص و اشیاء تعمیم داده است. ثانیاً نظریه مشورتی برای محاکم لازم‌الاتباع نبوده و نص قانون مقدم بر آن می‌باشد. ثالثاً در پاسخ به نظر آن دسته از نویسندگانی که قید «هم‌چنین» را فقط مختص به اشخاص و اشیاء می‌دانند باید متذکر شد علی‌رغم اینکه چنین برداشتی از این ماده امکان‌پذیر است؛

۱. مطابق اصل بیست و دوم قانون اساسی: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۲. ماده ۵۵ قانون آ.د.ک: ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

اما به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان به این ماده نگریست و آن اینکه قید «هم‌چنین» پس از اماکن و منازل آمده و قانون‌گذار قصد داشته بگوید در مورد اشیا و اشخاص هم مشابه اماکن و منازل اقدام می‌شود؛ به عبارتی قید غیرمشهود برمی‌گردد به اماکن، اشخاص و اشیا. طبق قواعد اصولی نیز، غالباً صفت مشترک در چند چیز را یک‌بار و آن‌هم در انتهای موصوفات استفاده می‌کنند. از طرفی هیچ‌گاه نباید عبارت صریح «تمام اقدامات لازم» در ماده ۴۴ را از نظر دورنگه داشت. و هم‌چنین این‌گونه است که در واقعیت امر نیز چنانچه شخصی مرتکب جرم قتل به صورت مشهود بشود و مورد تعقیب ضابطان قرار گیرد در صورتی که متهم وارد منزل اشخاص غیرمرتبط با جرم شود، نمی‌توان انتظار داشت که در آن شرایط ضابط دستور قضایی هم داشته باشد و به نظر می‌رسد ارائه همان اوراق هویت کفایت می‌کند. شاید در نقد نظر فوق بیان شود که این امر می‌تواند امنیت و آرامش اهل منزل را به هم بریزد؛ به‌عنوان مثال در سال ۱۳۷۶ در یکی از روستاهای دور افتاده مأموران انتظامی بر اساس اخبار واهی و با وصول گزارش مردمی دایر بر خرید و فروش و نگهداری مواد مخدر علیه شخصی، بدون اخذ مجوز مخصوص مقام قضایی و بدون رعایت تشریفات مربوطه ظرف دوازده ساعت سه بار از دیوار منزل مسکونی از ساعت ۱۲ ظهر تا ساعت ۲۴ شب بالا رفته، با آژیر کشیدن‌های آن‌چنانی، بدو اطراف منزل را محاصره و پس از دستگیری متهم و آزار و اذیت وی در انتظار عموم خصوصاً جلوی دیدگان فرزندان خردسالش، بدون کشف مواد مخدر و سرانجام با صدور حکم نهائی برائت از جانب دادگاه انقلاب اسلامی، موجبات مرگ دختر ۹ ساله او را در همان شب فراهم آوردند. اگرچه اهالی روستا با تلاش بسیار او را به بیمارستان شهر رساندند؛ ولی قبل از رسیدن به بیمارستان فوت نمود. پزشکی قانونی علت تامه فوت را شوک وارده ناشی از فشار روانی ذکر کرد و مأموران خاطی تحت تعقیب قرار گرفتند (قاسمپور، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷). ضمن پذیرش نقد فوق باید اذعان داشت که اگر متهمی وارد منزل غیر شود و افراد منزل حتی شک به حضور او در خانه کنند، دچار رعب و ترس بیشتری می‌شوند تا اینکه ضابطان با یک هشدار قبلی وارد منزل شده و به اهل منزل اطمینان دهند که آن‌ها در صحنه حضور دارند و تمام سعی خود را در دستگیری مجرم انجام می‌دهند. چه‌بسا حضور ضابطان در منزل و آموزش به اهل منزل در خصوص پنهان‌شدن و یا فرار از تهدیدات متهم فراری، نقش مؤثرتری در برقراری آرامش اهل خانه داشته باشند. لذا به نظر ما در جرایم مشهود چنانچه اقداماتی جهت جلوگیری از فرار متهم ضروری به نظر برسد چه آن‌که متهم در منزل خود پنهان شود و چه منزل یا اماکن غیر، ضابطان حق

ورود به منزل را دارند. اما در مورد جرایم غیرمشهود با توجه به صراحت ماده ۵۵، ورود ضابطان منوط به اجازه موردی مقام قضایی است و اطلاق موادی چون ۵۸^۱، ۱۳۷^۲ و ۱۴۱^۳ قانون آ.د.ک، ناظر به شرایطی است که ضابطان ظن قوی دارند که متهم در آن منزل یا مکان است نه یقین، که در اینجا به منظور رعایت حفظ حقوق شهروندی، ضابطان برای ورود باید اجازه موردی داشته باشند حتی اگر جرم به صورت مشهود واقع شده باشد.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر ضابطان دادگستری به استناد به مشهود بودن جرم، بدون اذن و اجازه موردی از مقام قضایی وارد منزل اشخاص غیرمرتبط با جرم بشوند، آیا آن‌ها مرتکب جرمی شده‌اند؟

در پاسخ باید گفت: چنانچه جرم به صورت مشهود واقع شده باشد و ضابط یقین حاصل کند که فرد متهم در منزل اشخاص غیرمرتبط با جرم پنهان شده است، با توجه به صراحت و اطلاق ماده ۴۴ قانون آ.د.ک، ضابط می‌تواند به استناد مشهود بودن جرم، بدون داشتن حکم قضایی، وارد منزل شده و اقدامات لازم را انجام دهد. اما در خصوص مواردی که ضابط ظن قوی به حضور متهم در منزل غیر دارد، چنانچه بدون حکم قضایی وارد منزل اشخاص غیرمرتبط با جرم شود در اینجا می‌توان گفت که ضابط بر طبق ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی^۴، مرتکب جرم هتک حرمت منزل شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. ماده ۵۸ قانون آ.د.ک: ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند و به امضای شخص یا اشخاص حاضر برسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.

۲. ماده ۱۳۷ قانون آ.د.ک: تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و هم‌چنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قوانین و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام شود.

۳. ماده ۱۴۱ قانون آ.د.ک: دستور مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد.

۴. ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی، قسمت تعزیرات ۱۳۷۵: هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی، بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

۷.۲. نحوه تفتیش وسایل نقلیه اشخاص غیر مرتبط با جرم توسط ضابطان

با این فرض که مجرم برای تسهیل وقوع جرم از این وسایل استفاده نماید، مطابق قسمت اول ماده ۳ قانون پلیس و ادله کیفری حقوق انگلستان (مصوب ۱۹۸۴)، ضابط در مواجهه با یک جرم مشهود می‌تواند وارد عمل شده و اقدامات لازم را به منظور جلوگیری از فرار متهم به عمل آورد. اما در خصوص بازرسی از اشخاص و وسایل نقلیه زمانی می‌تواند وارد عمل شده و دست به تحقیق و بازرسی بزند که دلایل منطقی برای مظنونیت آن شخص و یا آن وسیله (به عنوان مثال کشف اشیا مسروقه) داشته باشد. در حقوق ایران، مطابق بخش نامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۷۹/۱ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۱ اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا (که مطابق قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال گردید). تفتیش از وسیله‌های نقلیه بدون کسب اجازه مخصوص از مقامات قضایی امکان پذیر بود؛ و در این خصوص فرقی نداشت که جرم مشهود باشد و یا غیر مشهود.

به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم مخالف ماده ۵۵ قانون آ.د.ک، از آنجا که وسیله نقلیه نیز شیء محسوب می‌شود، در جرایم مشهود می‌توان بدون اجازه مقام قضایی وسیله نقلیه را مورد بازرسی و تفتیش قرارداد اما در مورد جرایم غیر مشهود نیاز به اجازه مقام قضایی است. همچنین بر طبق تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر، اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، از جمله وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی قرار نمی‌گیرند. در واقع این تبصره نیز تأکیدی بر مفهوم مخالف ماده ۵۵ بوده و این حق را به ضابطان می‌دهد که در جرایم مشهود بدون اذن مقام قضایی بتوانند اقدامات لازم را انجام دهند. در موارد فوق‌الذکر چنانچه متهم طفل، نوجوان و یا زن باشد و یا جرم ارتكابی از نوع جرایم منافی عفت باشد، حدود اختیارات ضابطان محدود خواهد شد. به طور کل در خصوص زنان چنانچه مشمول گروه اطفال و نوجوانان نباشند و یا جرم ارتكابی از جرائم منافی عفت نباشد بنا بر صراحت مواد قانونی که از متهم به صورت مطلق یاد کرده، هیچ گونه تفاوتی بین مردان و زنان وجود ندارد (از جهت مشهود یا غیر مشهود بودن جرم ارتكابی). صرفاً در خصوص

بازجویی و تحقیق از زنان، مستنبط از ماده ۴۲ قانون آ.د.ک.^۱، در صورت امکان، تحقیق و بازجویی باید توسط ضابط آموزش دیده زن انجام شود.

در خصوص جرایم منافی عفت نیز باتوجه به ماده ۱۰۲ قانون فوق‌الذکر^۲، مقامات قضایی نیز حق هیچ‌گونه پرسشی در خصوص این جرایم را ندارند مگر در موارد استثنایی که در ماده بیان شده، به‌طریق‌اولی ضابطان نیز حق هیچ‌گونه پرسش و تحقیقی را ندارند؛ حتی در موارد استثنایی مذکور در ماده ۱۰۲، چراکه قانون‌گذار تنها این حق استثنایی را به مقامات قضایی واگذار کرده و از آنجا که ضابطان بازوان اجرایی مقامات قضایی اند (خالقی، ۱۳۹۴، ص ۵۲)، خود مقام قضایی محسوب نشده و نمی‌توانند در این خصوص دست به اقدامی مستقل بزنند. در خصوص اطفال و نوجوانان نیز، علی‌رغم اینکه ماده ۴۲ قانون آ.د.ک، تحقیق و بازجویی از این گروه افراد را در صورت امکان بر عهده ضابطان آموزش‌دیده زن قرار داده، اما مطابق تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۲۸۵ قانون فوق‌الذکر، تحقیق و بازجویی از این دسته از اشخاص با دادگاه اطفال است، به نظر می‌رسد که در جمع بین این دو ماده، باید ماده ۲۸۵ را حاکم دانست البته نه با این استدلال که ماده مذکور آخرین اراده قانون‌گذار است؛ بلکه بر طبق تفسیر منطقی این‌گونه برداشت می‌شود که قانون‌گذار وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی کلیه افراد زیر پانزده سال را بر عهده دادگاه اطفال و نوجوانان قرار داده است. خداوند متعال همه انسان‌ها را آزاد خلق کرده و به هیچ شخصی اجازه تجاوز به این آزادی را به هیچ شکلی نداده است به جز در مواردی که آزادی انسان‌ها باعث اخلال در نظم و آزادی معنوی و مادی سایر اشخاص یا موجب هدر دادن سرمایه‌های مادی خود یا افزایش ظلم و ستم به خود یا سایر اشخاص باشد. تشخیص چنین موارد استثنایی و میزان قلمرو سلب آزادی اشخاص، امری تا حدودی دشوار و پیچیده بوده که جز خداوند متعال یا رسول اکرم (ص) یا امامان معصوم و پیشوایان باتدبیر و

^۱. مطابق ماده ۴۲ قانون آ.د.ک: بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.

^۲. ماده ۱۰۲ قانون آ.د.ک: انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع‌و‌احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود.

تقوا و عادل ساخته نیست. قوه قضاییه در واقع به عنوان نهاد تطبیق رفتارهای اشخاص با قوانین و احقاق حق و برخورد مناسب کیفری و یا مدنی به همه اشخاص متجاوز از حدود قوانین و مقررات را با اجازه مقام عالی ولی فقیه بر عهده دارد. اصل سی و دوم قانون اساسی، توجه قوای قضاییه، مجریه و مقننه و به طور کلی همه مقامات، مأموران و اشخاص را درباره یکی از حقوق و آزادی‌های شهروندان یعنی آزادی رفت و آمد، دقیقاً به همین نکته جلب می‌کند: «هیچ شخصی را نمی‌توان بازداشت کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین و مشخص می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر ادله بلافاصله و به صورت مکتوب به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده او را به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این مقررات طبق قانون مجازات می‌شود.»

بنابراین به عنوان نمونه اقدام مأموران انتظامی و ضابطان دادگستری و سایر مقامات قضایی به دستگیری شخصی که مرتکب یک جرم مهمی شده است و این جرم در قالب جرمی مشهود باشد، در صورتی که شخص شاکی از متهم نزد ضابطان دادگستری و مأموران انتظامی شکایت یا تظلم‌خواهی نکند، ضابطان دادگستری و مأموران انتظامی با هیچ انگیزه‌ای حتی باهدف اجرای حدود الهی یا دفاع از حقوق اشخاص پذیرفته نبوده و قابل تعقیب و تحقیق کیفری نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

از جمله تدابیری که قانون‌گذار جهت برقراری یک نظام دادرسی عادلانه اندیشیده، پیش‌بینی مقام ضابط در قانون آیین دادرسی کیفری است؛ از این رو تعیین دقیق محدوده اختیارات آن‌ها از اهمیت مضاعفی برخوردار است. به نظر می‌رسد ضابطان جهت تفتیش و بازرسی منازل، اماکن، اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود حتماً باید دستور قضایی مقتضی را داشته باشند و در خصوص جرایم مشهود، چنانچه برای ضابطان یقین حاصل شود که متهم در مکان‌های عمومی و یا حتی در حریم خصوصی اشخاص (بزه‌دیدگان بالقوه) مخفی شده و یا به آنجا فرار کرده است، با توجه به ضرورت امر، جلوگیری از امحای آثار جرم و نیز با توجه به مشهود بودن

جرم ارتكابی، می‌توانند بدون دستور مقام قضایی وارد منازل و یا اماکن شده و به بازرسی بپردازند (چراکه قانون‌گذار این اذن را در ماده ۴۴ قانون آ.د.ك به آن‌ها داده است)، اما چنانچه برای ضابطان ظن قوی حاصل شود و یا فاصله بین وقوع جرم و تفتیش منزل یا اشخاص، طولانی گردد، ضابط برای تفتیش و بازرسی محل باید اجازه موردی از مقام قضایی داشته باشد. البته طولانی‌بودن زمان و ضرورت امر یک مسئله نسبی هستند و لازم است قانون‌گذار در تصویب قوانین، حدود آن‌ها را مشخص نماید تا شاهد اجرای هر چه بهتر قوانین در عرصه جامعه باشیم.



منابع

قرآن

۶۰۵. انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰). حقوق تحقیقات جنایی - مطالعه تطبیقی. تهران: انتشارات سمت.
۶۰۶. انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰). کشف علمی جرایم. تهران: انتشارات سمت.
۶۰۷. انصاف پور، غلامرضا. (۱۳۶۵). فرهنگ لغات فارسی. تهران: انتشارات زوار.
۶۰۸. آخوندی، محمود. (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات جامع طبع و نشر.
۶۰۹. آشوری، محمد. (۱۳۸۶). عدالت جزایی و عدالت کیفری، حقوق جزای عمومی. قم: انتشارات گنج دانش.
۶۱۰. آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۰). حقوق کیفری. تهران: انتشارات مجد.
۶۱۱. آقایی نیا، حسین. (۱۳۹۲). جنایات. چاپ هشتم. تهران: انتشارات میزان.
۶۱۲. باهری، محمد. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات رهام.
۶۱۳. برهانی، محسن. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. واکنش در برابر جرم. تهران: انتشارات میزان.
۶۱۴. بهرامی، بهرام. (۱۳۸۳). اجرای احکام کیفری. چاپ سوم. تهران: انتشارات نگاه بینه.
۶۱۵. پیرایه جو، اسد. (۱۳۷۲). حق دفاع متهم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شنایی. دانشگاه شهرکرد.
۶۱۶. جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات جاودانه جنگل.
۶۱۷. خالقی، علی. (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
۶۱۸. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. بی‌جا.
۶۱۹. رجبی‌پور، ابراهیم. (۱۳۸۸). پیشگیری انتظامی از جرم. تهران: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
۶۲۰. سپهری، روح‌الله. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری و مساله تطبیقی استثنائات در حقوق ایران و فرانسه. تهران: انتشارات دادگستر.
۶۲۱. سنگانه، رحمان؛ گنجی، محمد؛ خسروشاهی، قدرت‌الله؛ وزراعت، عباس. (۱۳۹۶). بررسی نوع نگرش و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان در شهر کاشان. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۷۶(۱۹)، ۴۰-۹.
۶۲۲. سیاح، احمد. (۱۴۳۰ق). فرهنگ جامع عربی فارسی. قم: انتشارات اسلام.
۶۲۳. صادق منش، جعفر. (۱۳۹۵). ضابطان قضایی (وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها). تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۶۲۴. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات میزان.

۶۲۵. قاسم‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). ضابطان قوه قضاییه و وظایف آن‌ها در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸. تهران: انتشارات افق.
۶۲۶. قانون آمران به معروف و نامیان از منکر مصوب ۱۳۹۴.
۶۲۷. قانون آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۹۲.
۶۲۸. قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴.
۶۲۹. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مصوب ۲۰۰۸.
۶۳۰. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.
۶۳۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۶۳۲. لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
۶۳۳. نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). تقریرات درسی جامعه‌شناسی جنایی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۶۳۴. نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۳/۷۷۵ مورخ ۹۳/۴/۴، اداره حقوقی قوه قضاییه.
۶۳۵. ولی‌الله (۱۳۸۰). کشف علمی جرایم. تهران: انتشارات سمت.
۶۳۶. انصاف‌پور، غلامرضا. (۱۳۶۵). فرهنگ لغات فارسی. تهران: انتشارات زوار.
۶۳۷. آخوندی، محمود. (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات جامع طبع و نشر.
۶۳۸. آشوری، محمد. (۱۳۸۶). عدالت جزایی و عدالت کیفری، حقوق جزای عمومی. قم: انتشارات گنج دانش.
۶۳۹. آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۰). حقوق کیفری. تهران: انتشارات مجد.
۶۴۰. آقایی نیا، حسین. (۱۳۹۲). جنایات. چاپ هشتم. تهران: انتشارات میزان.
۶۴۱. باهری، محمد. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات رهام.
۶۴۲. برهانی، محسن. (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. واکنش در برابر جرم. تهران: انتشارات میزان.
۶۴۳. بهرامی، بهرام. (۱۳۸۳). اجرای احکام کیفری. چاپ سوم. تهران: انتشارات نگاه بینه.
۶۴۴. پیرایه جو، اسد. (۱۳۷۲). حق دفاع متهم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شنایی. دانشگاه شهرکرد.
۶۴۵. جوانمرد، بهروز. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات جاودانه جنگل.
۶۴۶. خالقی، علی. (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
۶۴۷. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. بی‌جا.
۶۴۸. رجبی‌پور، ابراهیم. (۱۳۸۸). پیشگیری انتظامی از جرم. تهران: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

۶۴۹. سپهری، روح‌الله. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری و مساله تطبیقی استثنائات در حقوق ایران و فرانسه. تهران: انتشارات دادگستر.
۶۵۰. سنگانه، رحمان؛ گنجی، محمد؛ خسروشاهی، قدرت‌الله؛ و زراعت، عباس. (۱۳۹۶). بررسی نوع نگرش و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان در شهر کاشان. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۷۶(۱۹)، ۴۰-۹.
۶۵۱. سیاح، احمد. (۱۴۳۰ق). فرهنگ جامع عربی فارسی. قم: انتشارات اسلام.
۶۵۲. صادق منش، جعفر. (۱۳۹۵). ضابطان قضایی (وظایف، اختیارات و مسئولیت‌ها). تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
۶۵۳. طهماسبی، جواد. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات میزان.
۶۵۴. قاسم‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). ضابطان قوه قضاییه و وظایف آن‌ها در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸. تهران: انتشارات افق.
۶۵۵. قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴.
۶۵۶. قانون آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۹۲.
۶۵۷. قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴.
۶۵۸. قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مصوب ۲۰۰۸.
۶۵۹. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.
۶۶۰. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۶۶۱. لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
۶۶۲. نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). تقریرات درسی جامعه‌شناسی جنایی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۶۶۳. نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۳/۷۷۵ مورخ ۹۳/۴/۴، اداره حقوقی قوه قضاییه.

References

The Holy Quran.

664. Advisory Opinion No. 775/93/7 Dated 4/4/93, Legal Department of the Judiciary.
665. Akhundi, M. (2011). Criminal procedure. Tab' va Nashr Publication.
666. Ansari, V. (2001). Criminal investigation law - A comparative study. SAMT Publication.
667. Ansari, V. (2001). Scientific crime detection. SAMT Publication.
668. Aqaei Jannet Makan, H. (2011). Criminal law. Majd Publication.
669. Aqaei Nia, H. (2013). Crimes (8th ed.). Mizan Publication.

670. Ashouri, M. (2007). Criminal justice and criminal law: General criminal law. Ganj-e-Danesh Publication.
671. Bahari, M. (2003). General criminal law. Raham Publication.
672. Bahrami, B. (2004). Implementation of criminal sentences (3rd ed.). Negah-e-Bina Publication.
673. Borhani, M. (2013). General criminal law: Reaction to crime. Mizan Publication.
674. Criminal Procedure Code from the Perspective of the Officers in Kashan. Police Knowledge Research, 19(76), 9-40.
675. Cybercrime Procedure Act, Adopted in 2013.
676. Dehkhoda, A. A. (1998). Dehkhoda dictionary.
677. Enjoining Good and Forbidding Evil Act, Adopted in 2015.
678. Ensafpour, G. (1986). Persian dictionary. Zavvar Publication.
679. French Code of Criminal Procedure, Adopted in 2008.
680. Ghasempour, A. (2002). Judicial authorities and their duties under the 1999 code of criminal procedure for general and revolutionary courts. Ofogh Publication.
681. Iranian Code of Criminal Procedure, Adopted in 2013 and Amended in 2015.
682. Islamic Penal Code (Ta'zir Punishments), Adopted in 1996.
683. Islamic Penal Code, Adopted in 2013.
684. Javānmard, B. (2015). Criminal procedure. Javdaneh-e-Jangal Publication.
685. Khaleghi, A. (2015). Notes on the criminal procedure code. Institute for Legal Studies and Research of Shahrdanesh.
686. Langroudi, M. J. (1999). Terminology of law. Ganj-e-Danesh Publication.
687. Najafi Abrandabadi, A. H. (2012). Lectures on criminal sociology. Shahid Beheshti University Press.
688. Pirayehjou, A. (1993). The right of the accused to defense (Master's thesis). Shahrekord University.
689. Rajabipour, E. (2009). Police crime prevention. Proceedings of the First National Conference on Crime Prevention of the Islamic Republic of Iran Police.
690. Sadeghmanesh, J. (2016). Judicial officers (duties, powers and responsibilities). Judiciary Press Center.
691. Sangane, R., Ganji, M., Khosroshahi, G., & Zeraatpisheh, A. (2017). Examining the type of attitude and the degree of applicability of the innovations of the.
692. Sayyah, A. (2009). Comprehensive Arabic-Persian dictionary. Eslamieh Publication.

693. Sepehri, R. (2016). Criminal procedure and the comparative issue of exceptions in Iranian and French law. Dadgostar Publication.
694. Tahmasebi, J. (2016). Criminal procedure. Mizan Publication.
695. Valiollah. (2001). Scientific detection of crimes. SAMT Publication.

